

ریزشها و رویشهای حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان

محدثه معینی فر^۱
مریم معینی فر^۲

چکیده

هدف: این پژوهش در پی کشف انگیزه‌های جوانان برای ورود به حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان و در عین حال، علل ترک تحصیل برخی از معرفت‌جویان پیش از اتمام دوره بود. **روش:** مقاله حاضر با روشی کیفی مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد انجام شده و ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با 10 نفر از معرفت‌جویان است. این افراد بر اساس روش گلوله‌برفی انتخاب شدند و مصاحبه‌ها تا حد اشباع نظری ادامه یافت. **یافته‌ها:** انگیزه‌های معنوی، علمی، اجتماعی و ابزاری، افراد را برای تحصیل در حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان ترغیب می‌کند. از سوی دیگر، کیفیت نظام آموزشی موجب ریزش معرفت‌جویان می‌شود که این ریزشها به تبع، پیامدهایی را برای فرد، سازمان(حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان) و جامعه در بر دارد. **نتیجه‌گیری:** لازمه تحول در حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان، تغییر نگرش نسبت به آن است. اگر حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان به منزله یک قرارگاه فرهنگی تلقی شود، آن وقت است که می‌توان با تعریف درست از رسالت آن، برای پیشبرد رسالت مذکور برنامه‌ریزی کرد.

واژگان کلیدی: ریزش، انگیزه، معرفت‌جویان، نظریه داده‌بنیاد، حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان.

دریافت مقاله: 98/08/26، تصویب نهایی: 99/01/21

1. دکترای تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (نویسنده مسئول)/ نشانی: قزوین؛ خیابان نوروزیان، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی / نامبر: 02833780083 / Email: Moeinifar@isr.ikiu.ac.ir
2. کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی، گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، تهران - ایران.

الف) مقدمه

بنا به اساسنامه حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان، این مرکز، مجموعه‌ای تربیتی و آموزشی با رویکرد جهاد علمی فرهنگی، وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاههاست که با بهره‌گیری از میراث معرفتی، اخلاقی و انقلابی حوزه‌های علمیه، مبادرت به تبیین اسلام ناب و تربیت نیروهای مستعد و مؤثر در مسیر اهداف و آرمانهای انقلاب اسلامی می‌کند. مأموریت حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان، تعلیم و تربیت دانشگاهیان بر پایه نظام اندیشه اسلام ناب و علوم اسلامی برای اثرگذاری در عرصه‌های جهاد علمی - فرهنگی و تحقق دانشگاه و تمدن اسلامی است. این مرکز با این مأموریت و چشم‌انداز، در کنار دیگر مراکز تلاش کرده است تا مخاطبان خود را از جامعه دانشگاهی جذب کند؛ اما در عرصه کنونی، جوانان نیز با انتخابهای مختلفی روبه‌رویند که این امر می‌تواند تحقق مأموریت حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان را سخت کند. بر همین اساس، سؤال اساسی در این پژوهش آن است که چرا با وجود انتخابهای مختلف برای جوانان، برخی از آنان تحصیل در حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان را برمی‌گزینند و چرا تعدادی از معرفت‌جویان پس از مدتی، تحصیل خود را در حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان رها می‌کنند؟ چه عواملی زمینه‌ساز شکل‌گیری انگیزه‌های ورود به حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان است؟

این پژوهش برای پاسخ به این پرسشهای اساسی، روش کیفی را به کار گرفته تا فهم عمل اجتماعی امکان‌پذیر شود. یکی از مهم‌ترین راهبردهای پژوهش کیفی، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد است. در نظریه زمینه‌ای این امکان برای محقق فراهم می‌شود که از یک فرایند یا کنش، یک نظریه یا به تعبیری، یک تبیین عام داشته باشد. (ایمان، 1391)

ب) پیشینه تحقیق

با توجه به مطالعات صورت‌گرفته، پژوهشی با موضوع عوامل و انگیزه‌های ورود و ترک تحصیل معرفت‌جویان حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان انجام نشده است؛ اما با توجه به شباهتهای حداقلی موجود میان حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان و حوزه علمیه، پژوهشهای اندک صورت‌گرفته درباره عوامل و انگیزه‌های ورود افراد به حوزه علمیه، به عنوان پیشینه بررسی می‌شوند.

شریعتی و سلیمانیه (1394) در بخشی از مقاله خود به بررسی انگیزه‌هایی چون: تأثیر دیگر افراد مهم، انگیزه‌های علمی، انگیزه‌های دینی و مذهبی، انگیزه‌های برخاسته از نارضایتی از وضعیت اخلاقی جامعه و در نهایت، انگیزه‌های مالی و مادی و سازوکارهای ورود طلاب به حوزه علمیه مانند پایگاه بسیج و هیئتهای مذهبی پرداخته‌اند. شریعتی و فروغی (1392) در نتایج تحقیق خود با عنوان «عوامل و انگیزه‌های جامعه‌شناختی ورود طلاب به حوزه علمیه» بیان می‌کنند که دو گروه از عوامل درونی و بیرونی در پیدایش انگیزه‌های

افراد برای طلبه شدن مؤثر است. عوامل درونی به قرار گرفتن روحانیت در موضع گروه مرجع جوانان و بسترها و شبکه‌های معنوی‌ای اشاره دارد که آنان در آن زیست می‌کنند. عوامل بیرونی شامل زیست در شبکه روحانیت و همچنین افراد مذهبی تأثیرگذار است. در مجموع، این عوامل، چهار انگیزه مختلف را برای طلبه شدن در افراد پدید می‌آورند که شامل انگیزه‌های علمی، معنوی، اجتماعی و ابزاری است تا در نهایت آنان تصمیم به طلبه شدن می‌گیرند. با توجه به پژوهشهای اندک در این حوزه، از نظر کمی و کیفی، ضرورت مطالعه این موضوع به خوبی روشن می‌شود.

ج) روش تحقیق

«نظریه بنیادی، از اهمیت قابل توجهی در میان انواع روش‌شناسی کیفی برخوردار است. محقق می‌تواند بر اساس آن، اقدام به تولید یک تبیین عام از یک فرایند، کنش یا تعامل کند که بر اساس دیدگاه تعداد بسیاری از مشارکت‌کنندگان شکل گرفته است» (ایمان، 1391: 69). از این رو، این مقاله درصدد است بر اساس روش داده‌بنیاد به تدوین الگویی پیرامون رویشها و ریزشهای حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان بپردازد. با توجه به اینکه در حوزه مذکور مطالعات زیادی صورت نگرفته، روش نظریه داده‌بنیاد برای مطالعه این موضوع مناسب‌تر است. در واقع؛ «نظریه داده‌بنیاد امکان کشف پدیده‌های حائز اهمیت برای مصاحبه‌شوندگان را در میدان فراهم می‌سازد» (جوینز و آلونی، 2011)

در این پژوهش، مفاهیم طی بررسی خط به خط مصاحبه‌ها، شناسایی و ویژگی‌ها و ابعاد آنها مشخص شد. سپس در مرحله کدگذاری محوری، بر اساس ویژگی‌ها و ابعاد مشترک، ارتباط مقوله‌های فرعی با مقوله‌ها شکل گرفت و در نهایت، با کدگذاری گزینشی، مقوله‌ها یکپارچه شده و به مدل پارادایمی تبدیل شدند (استراوس و کربین، 1390). برای اعتباربخشی به مدل و نتایج، یافته‌ها با مصاحبه‌شونده‌ها بررسی شد تا تفسیر پژوهشگران تأیید شود. ضمن آنکه نتایج نیز در اختیار صاحب‌نظران دیگر قرار گرفت تا صحت کدگذاری و مقوله‌ها مشخص شود.

جامعه آماری این پژوهش با توجه به قلمرو موضوعی آن، شامل معرفت‌جویان در حال تحصیل، دانش‌آموخته و ترک تحصیل در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی است که به روش ارجاع زنجیره‌ای انتخاب شده‌اند. در این پژوهش با 10 نفر مصاحبه نیمه‌ساختاریافته صورت گرفت و از مصاحبه ششم به بعد، اشباع نظری حاصل شد؛ اما برای اطمینان، تا مصاحبه دهم ادامه یافت.

بازه سنی مصاحبه‌شوندگان از 25 تا 48 سال است. از 10 نفر نمونه، دو نفر دانش‌آموخته و شش نفر مشغول به تحصیل بودند و دو نفر نیز تحصیلات خود را در حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان ناتمام گذاشته‌اند. مدرک تحصیلی چهار نفر از آنان کارشناسی ارشد، دو نفر کارشناسی، سه نفر کارشناسی و

420 ♦ ریزشها و رویشهای حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان

طلبة سطح دو حوزه علمیه و یک نفر فوق دیپلم است. با بررسی پایگاه اقتصادی و اجتماعی که با متغیرهای مختلفی همچون: تحصیلات، درآمد، شغل و غیره سنجش می شود، مشخص شد که افراد با خاستگاههای مختلف اقتصادی و اجتماعی، به تحصیل در حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان علاقه مندند و مختص یک پایگاه اقتصادی و اجتماعی خاصی نیست.

(د) یافته های تحلیلی

مصاحبه های انجام شده با توجه به علل جذب افراد به حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان و عوامل زمینه ساز در پیدایش این انگیزه تحلیل شدند. در مرحله کدگذاری باز، 37 مفهوم شناسایی و در قالب هفت مقوله طبقه بندی شدند و در مرحله کدگذاری محوری، دو مقوله با عنوان انگیزه درونی و بیرونی به عنوان مقوله علی و عوامل درونی به عنوان مقوله زمینه و عوامل بیرونی به عنوان مقوله دخیل استخراج شدند که در جدول 1 آمده است.

جدول 1: شرایط علی، زمینه ای و دخیل جذب افراد به حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان

کدگذاری محوری	مقوله	مقوله فرعی	مفاهیم
مقوله علی	انگیزه درونی	انگیزه علمی	داشتن زمینه آشنایی با علوم دینی، آگاهی از احکام و مسائل دینی، کیفیت بالای نظام آموزشی حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان نسبت به دانشگاه، علاقه به آموختن علوم دینی و دروس حوزوی، یافتن پاسخ سؤالات ماهوی و فلسفی، تلقی افراد از حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان به عنوان جایگزین مناسب برای حوزه علمیه، دانش استادان، ارزش ذاتی علم آموزی.
		انگیزه معنوی	کسب معنویت، داشتن علائق مذهبی، جستجوی آرامش، ترس از آلوده شدن به گناه در محیط ناسالم، عدم پاسخگویی نیازهای معنوی در سایر محیطها، یافتن دوستان جدید مذهبی و قرار گرفتن در محیط مذهبی.
	انگیزه بیرونی	انگیزه اجتماعی	اصلاح جامعه، بالا بردن قدرت تأثیرگذاری خود در جامعه، فعالیت در حوزه های فرهنگی، دسترسی به شبکه اجتماعی، تربیت اسلامی فرزندان، اصلاح دیدگاههای افراد راجع به دین، تبلیغ آموزه های دینی.
		انگیزه ابزاری	علاقه به ورود به مشاغل اداری، کسب اعتبار اجتماعی، پلی برای ورود به بازار ازدواج، استفاده از مدرک، پر کردن اوقات فراغت، همراهی با دوستان قدیمی، تطبیق واحد درسی، کسب مهارت زندگی.
مقوله زمینه	عوامل درونی	بسترها و شبکه های معنوی	خانواده مذهبی، فضای اجتماعی مذهبی (مسجد، هیئت مذهبی)، گروه همالان مذهبی.
		شهادت و بزرگان دینی به عنوان گروه مرجع	الگو قرار گرفتن بزرگان دینی و شهدا.
مقوله دخیل	عوامل بیرونی	مذهبی های تأثیرگذار	روحانی محل، دوستان مذهبی، تأثیر مستقیم دیگران مهم.

421 محدثه معینی فر و مریم معینی فر

تحصیل در حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان کنشی اجتماعی است که با انگیزه‌های مختلف انجام می‌شود. از دیدگاه وبر، کنش انسانی در صورتی اجتماعی است که فرد یا افراد رفتار کننده، برای آن معنای ذهنی قائل شوند و رفتار دیگران را مد نظر قرار دهند و در جریان خود از آن متأثر شوند (روشه، 1387: 26-27). بر این اساس، کنش اجتماعی به چهار نوع تقسیم می‌شود: کنش عقلایی هدفمند، کنش عقلایی ارزشی، کنش عاطفی و کنش سنتی (وبر، 1384: 51-52). فرایندهای کنشی که به نظر ما کاملاً مشابه و یکسان‌اند، می‌توانند در چارچوبهای انگیزه‌ای متفاوتی بگنجانند. افراد اغلب در شرایط معین تحت تأثیر انگیزه‌های متعارضی‌اند که همگی آنها قابل درک‌اند (همان: 32-33). آنچه از مطالعات به دست می‌آید، آن است که مجموعه‌ای از انگیزه‌ها در ورود افراد به حوزه مذکور مؤثرند که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

یک) انگیزه علمی: انگیزه علمی، از مهم‌ترین انگیزه‌های افراد برای ورود به حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان است. افراد در پی ورود به این حوزه برای کسب اطلاعات دینی مورد نیاز و یافتن پاسخ سؤالهای خود تلاش می‌کنند. اغلب این افراد معتقدند در دروس دانشگاهی اطلاعات لازم درباره مسائل مذهبی و دینی در اختیار آنان قرار نمی‌گیرد. از سوی دیگر، شباهت نامی این حوزه با حوزه علمی سبب می‌شود افراد در ذهن خود این تصور را داشته باشند که با حضور در این مکان و بهره‌مندی از کلاسها می‌توانند بدون حضور در حوزه علمی و با چارچوبهای سخت آن، بر اطلاعات دینی خود بیفزایند. برای نمونه، پاسخگوی شماره 6 بیان می‌دارد: «فضای دانشگاه و عدم پاسخگویی به سؤالات و شبهات من و محکم بودن فرد مخالف من موجب این شد که من بگویم باید مطالعه کنم تا اطلاعاتم افزایش یابد. به همین جهت، ضمن اینکه وقتم [را] زیاد تلف نکنم و [همچنین] نگاه مناسبی به حوزه علمی نداشتم، به سمت [تحصیل] حوزه رفتم».

برخی نیز تحصیل در حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان را مقدمه دستیابی به مراحل بالاتر علمی در حوزه علمی می‌دانند. برای مثال، پاسخگوی شماره 7 بیان می‌کند: «فرد برای آنکه شبهات را حل کنند و برای اینکه به مراحل بالاتر مثل حوزه علمی بروند...». در مجموع می‌توان اذعان کرد که انگیزه علمی یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های افراد برای تحصیل در حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان است و شاید این امر، به دلیل شباهت این حوزه با حوزه علمی باشد؛ زیرا از دیرباز هم حوزه علمی، یکی از مقاصد علم‌آموزی به ویژه در حوزه تعلیم دینی بوده است.

دو) انگیزه معنوی: یکی از انگیزه‌های افراد برای ورود به حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان است. نبود محیط سالم و عدم پاسخگویی به نیازهای معنوی در سایر محیطها، به عنوان عامل سلبی یا منفی و کسب معنویت، دستیابی به آرامش و یافتن دوستان مذهبی، به عنوان عامل ایجابی یا مثبت، بر احساس نیاز افراد در این باره اثرگذار است. برای مثال، پاسخگوی شماره 4 می‌گوید: «بچه‌ها به دنبال حل خلاها یعنی رسیدن به

422 ♦ ریزشها و رویشهای حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان

خدا هستند...» پاسخگوی شماره 8 بیان می‌دارد: «چون زیر اسم نهاد رهبری است برای معنویت آمده بودند...».

انگیزه علمی و انگیزه معنوی، همیشه در کنار هم، از عمده دلایل گرایش افراد به تحصیل در حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان بوده است و حوزه مذکور در این مورد با حوزه علمیه شباهت دارد؛ زیرا در مطالعات صورت گرفته روی طلاب حوزوی نیز این دو انگیزه به شدت با هم در ارتباطند و نقش بسیار مهمی در تبیین دیدگاه‌های طلاب برای ورود به حوزه علمیه ایفا می‌کنند.

سه) انگیزه اجتماعی: سومین عامل اثرگذار، انگیزه اجتماعی است که به طور کلی در تأثیرگذاری بر خانواده و جامعه خلاصه می‌شود. گاهی انگیزه‌های افراد از حد فردی خارج شده، جنبه اجتماعی به خود می‌گیرد. پاسخگوی شماره 5 می‌گوید: «فضای فرهنگی دارد و امکان [انجام] کار فرهنگی را برای من فراهم می‌سازد». شاخصه این انگیزه، توجه ویژه فرد به جامعه و تلاش برای اصلاح آن است. این انگیزه هم می‌تواند پس از دو انگیزه دیگر و گذراندن دروس و در نتیجه، توسعه دانش دینی فرد ایجاد شود و هم یکی از انگیزه‌های ابتدایی فرد در کنار دو انگیزه نخست باشد. آنچه از مصاحبه‌ها به دست آمده است، نشان می‌دهد این انگیزه برای برخی پاسخگویان، از انگیزه‌های ابتدایی و هم‌رتبه با دو انگیزه نخست است و برای برخی دیگر، این انگیزه نه از ابتدا وجود دارد و نه در طول تحصیل ایجاد می‌شود. ناگفته نماند که تعداد پاسخگویان گروه نخست، بسیار محدود است و در نتیجه، نمی‌توان قائل به تعمیم آن برای همه معرفت‌جویان شد. همچنین باید اذعان داشت که عمده پاسخگویان تنها به تأمین نیازهای فردی خود در حوزه مسائل دینی نظر داشته‌اند و فاقد انگیزه برای حل مسائل اجتماعی بودند. پاسخگوی شماره 9 با خنده و کنایه بیان می‌دارد: «صلاً انگیزه اجتماعی وجود ندارد...».

چهار) انگیزه ابزاری: یکی دیگر از انگیزه‌های افراد برای ورود به حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان، انگیزه ابزاری است. هر چند ارزشها و پایبندی به آنها بر دیدگاه افراد برای ورود به این حوزه تأثیر زیادی دارد، اما نباید از انگیزه‌های ابزاری نیز غافل شد. انسان موجودی اجتماعی است و همواره تلاش خود را بر این امر مصروف داشته است که به جایگاه مناسبی در اجتماع دست یابد. مدرک‌گرایی، تطبیق واحدهای دروس عمومی و دستیابی به مشاغل و بازار مناسب ازدواج، به ویژه برای دختران، از عمده دلایل افراد برای ورود به حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان است. پاسخگوی شماره 3 می‌گوید: «فرد به انگیزه ازدواج و شغل [برای تحصیل در حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان] می‌آیند...». پاسخگوی شماره 5 بیان می‌دارد: «بچه‌های [دانشگاه] پیام نور برای تطبیق واحدهای درسی می‌آیند». پاسخگوی شماره 4 می‌گوید: «انگیزه مدرک و استخدام وجود دارد...».

423 **محدثه معینی فر و مریم معینی فر**

فضای موجود در جامعه و حس رقابتی که اغلب بین افراد وجود دارد، آنان را وامی دارد که هر روشی را برای کسب منافع خود تجربه کنند. متأسفانه حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان نیز از این امر مستثنا نبوده است و افراد برای دستیابی به منافع خود به آن رجوع می‌کنند. این نگاه حداقلی به حوزه، آسیبهای فراوانی را به دنبال دارد که می‌تواند منجر به عدم کارایی مناسب آن در دانشگاه و در نهایت در جامعه شود. پس از بررسی هر یک از موارد، باید اذعان کرد نوع نگاه متفاوت افراد به انگیزه‌های شخصی خود و توصیف آنان از انگیزه‌های شخصی دیگران نیز می‌تواند به پژوهشگر در تحلیل این انگیزه‌ها یاری کند. در جداول ذیل، این دو نگاه متفاوت تبیین شده‌اند.

جدول 2: انگیزه جذب خود معرفت جو به حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان

اولویت اول	اولویت دوم	اولویت سوم
آگاهی از احکام و مسائل دینی	علاقه به آموختن علوم دینی و دروس حوزوی؛ تلفی افراد از حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان به عنوان جایگزین مناسب برای حوزه علمیه.	کسب معنویت؛ یافتن پاسخ سؤالات ماهوی و فلسفی؛ دانش استادان؛ بالا بردن قدرت تأثیرگذاری خود در جامعه.

جدول 3: انگیزه جذب سایر معرفت جویان به حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان از منظر معرفت جو

اولویت اول	اولویت دوم	اولویت سوم
انگیزه ابزاری	انگیزه علمی	انگیزه ابزاری
استفاده از مدرک	آگاهی از احکام و مسائل دینی	پر کردن اوقات فراغت

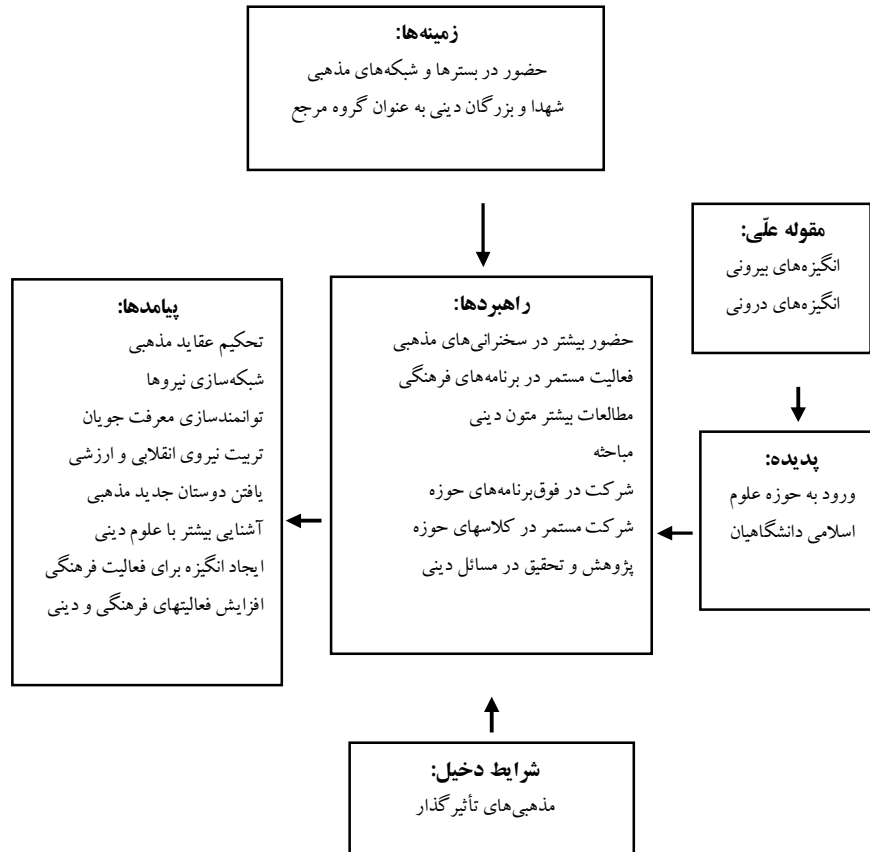
در جمع‌بندی می‌توان گفت که مصاحبه‌شوندگان در توصیف انگیزه‌های خود، بیشتر بر انگیزه‌های علمی و معنوی تأکید دارند؛ در حالی که در توصیف انگیزه سایر معرفت جویان، به انگیزه ابزاری اشاره می‌کنند. نکته مهم در این باره این است که سؤالات در این مصاحبه به نحوی طراحی شد که انگیزه‌های پنهانی فرد پاسخگو نیز مشخص شود. سؤال از دیدگاه دیگران، یکی از روشهایی است که به وسیله آن، سؤالات برای مخاطب بی‌خطر جلوه می‌کند؛ زیرا در غیر این صورت، پاسخگویان به گونه‌ای جواب خواهند داد که از لحاظ اجتماعی مقبول و پسندیده بنمایند و در نتیجه، انگیزه واقعی آنان پنهان می‌ماند.

عوامل زمینه‌ساز تحصیل در حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان شامل دو مقوله بسترها و شبکه‌های معنوی (خانواده مذهبی، فضای اجتماعی مذهبی (مسجد و هیئت مذهبی) و گروه همالان مذهبی) و گروه مرجع (الگو قرار گرفتن بزرگان دینی و شهدا) می‌شود. حضور در خانواده مذهبی، نخستین و مهم‌ترین گام

424 ♦ ریزشها و رویشهای حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان

فرد برای داشتن علایق مذهبی است؛ زیرا خانواده، هم خود می تواند این علایق را در فرد ایجاد کند و هم افراد یا اماکن تأثیرگذار مذهبی را به فرد معرفی کند. حضور در اماکن مذهبی و همراهی با افراد مذهبی به مدت طولانی، می تواند زمینه ساز جامعه پذیری دینی فرد شود. از منظر دینی نیز با توجه به مفهوم «رشد» که در اسلام دارای مراتب مختلف و متدوامی است، می توان به این نتیجه رسید که حضور افراد در خانواده مذهبی و سپس مراکز مذهبی می تواند او را در رشد و توسعه علایق دینی یاری کند؛ به گونه ای که بخشی از هویت اجتماعی او در این مسیر شکل گرفته، به این مراکز تعلق می یابد و با آنها تعریف می شود. پاسخگوی شماره 8 بیان می کند: «علاقه شخصی به معنویت و عرفان و مطالعه کتب دینی و زندگی نامه عالمان، موجب مذهبی شدن من شده است...». پاسخگوی شماره 5 بیان می کند: «با خواندن کتاب زندگی نامه شهدا زندگی ام تغییر کرد...».

علاوه بر زمینه های درونی که در هر فرد مذهبی شکل می گیرد، گاه حضور یک فرد شاخص به عنوان عامل بیرونی، می تواند او را به تحصیل در حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان ترغیب کند. این عامل که شامل مقوله مذهبی های تأثیرگذار (روحانی محل، دوستان مذهبی و تأثیر مستقیم دیگران مهم) می شود، می تواند به عنوان عامل دخیل بر تصمیم افراد تأثیر مستقیم بگذارد. شاید اگر مذهبی های تأثیرگذار نبودند، هرگز افراد برای تحصیل در حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان ترغیب نشده یا اساساً از وجود چنین مرکزی باخبر نمی شدند. پاسخگوی شماره 7 می گوید: «دوستان و آشنایان گفتند حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان خوب است ... دختر همسایه در حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان تحصیل کرده بود و مادرش به مادرم گفت بگذار برود آنجا درس بخواند چون جای خوبی است».



نمودار 1: مدل پارادایمی عوامل و انگیزه‌های ورود به حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان

1. دلایل ریزش و نقاط ضعف حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان

پس از بررسی انگیزه‌های افراد در ورود به حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان، لازم است از عواملی سخن گفته شود که باعث می‌شوند افراد انگیزه خود را برای ادامه تحصیل در حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان از دست بدهند و آن را ترک کنند. در جدول 4، این عوامل بیان شده‌اند.

جدول 4: شرایط علی ریزش حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان

مقاله	مقاله فرعی	مفاهیم
کیفیت نظام آموزشی	رسالت (مأموریت)	<p>عدم کاربرد مدرک</p> <p>عدم معرفی مناسب حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان</p> <p>فقدان فضای انگیزشی</p> <p>فقدان شبکه سازی</p> <p>عدم پاسخگویی به شبهات</p> <p>عدم توجه به مشکلات و درگیری های ذهنی</p>
	برنامه آموزشی	<p>زمان برگزاری کلاس (از صبح تا عصر)؛</p> <p>روز برگزاری کلاس (چهارشنبه و پنجشنبه)؛</p> <p>کاربردی نبودن مباحث در زندگی روزمره؛</p> <p>سرفصلهای غیر جذاب، خسته کننده و تکراری؛</p> <p>عدم وجود نظام ارزشیابی مناسب استادان؛</p> <p>تعداد زیاد دانشجویان در کلاسها؛</p> <p>عدم اهمیت به حضور و غیاب؛</p> <p>اهمیت بیش از حد به حضور و غیاب؛</p> <p>جدا بودن کلاسها؛</p> <p>تخصصی نبودن مباحث؛</p> <p>عدم وجود نظام ارزشیابی مناسب دانشجویان؛</p> <p>طولانی بودن مدت تحصیل (سه سال)؛</p> <p>تداخل زمانی کلاسها با کلاسهای دانشگاهی به ویژه در دانشگاههای پیام نور و آزاد؛</p> <p>عدم تمایز با درسها و برنامه «دانشگاهها»؛</p> <p>تغییر ساعتهای کلاس؛</p> <p>موضوعات درسی غیر قابل فهم؛</p> <p>عدم توجه حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان به مبانی اعتقادی و چیدمان درست دروس؛</p> <p>اتلاف وقت؛</p> <p>عدم تداوم سرفصلها.</p>
	کارکنان آموزشی (مدیران و کارشناسان)	<p>دانش کم استادان؛</p> <p>عدم توجه به نیازهای دانشجویان؛</p> <p>عدم ارزیابی مناسب استاد از دانشجویان (کم دادن نمره)؛</p> <p>نحوه کلاس داری استادان؛</p> <p>برخورد نامناسب استادان</p> <p>میانی متفاوت استادان در پاسخ دادن به سؤالات یکسان؛</p> <p>عدم نظم در کلاسها؛</p> <p>عدم پاسخگویی به شبهات؛</p> <p>عدم هماهنگی استادان با مدیر، کارشناسان و شورای معرفت جویان؛</p> <p>ضعف و عدم کارایی کارشناسان؛</p> <p>برخورد نامناسب کارشناسان.</p>

مدیریت	<p>عدم توجه به نیازهای دانشجو؛ عدم استفاده از استادان خوب خانم برای خواهران؛ عدم ارتباط مدیر با معرفت‌جویان؛ عدم استفاده از استادان در رشته تخصصی خودشان؛ تغییر مدیریت؛ نحوه مدیریت؛ عدم انتقادپذیری مسئولان؛ برخورد نامناسب مسئولان؛ تغییر زیاد استادان.</p>
<p>منابع یادگیری (کتابخانه، فناوری آموزشی و...)</p>	<p>عدم دسترسی به کتابها (به‌ویژه در سالهای ابتدایی) عدم استفاده از وسایل کمک آموزشی فقدان برنامه‌های جانبی (کارگاهها، همایش و ...)</p>

اگر حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان همچون یک نظام آموزش عالی فرض شود، باید فرایند ارزیابی آن در همه جوانب صورت گیرد. پس از مصاحبه با معرفت‌جویان و بیان دیدگاه آنان درباره عوامل ترک حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان از سوی معرفت‌جویان دیگر، می‌توان دریافت که تمامی این عوامل به خوبی منطبق بر معیارهای اعتبارسنجی مؤسسه‌ای‌اند که «با هدف اعطای مجوز و اعتبار برای ادامه فعالیت آن مؤسسه» (دفتر ارزیابی و بهینه‌سازی عملکرد دانشگاه تربیت مدرس) معرفی شده‌اند. در اعتبارسنجی مؤسسه‌ای، فعالیت‌های مؤسسه بررسی می‌شوند تا میزان دستیابی آنها به استانداردهای لازم مشخص شود.

رسالت (مأموریت): رسالت و مأموریت حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان باید نخبه‌پروری در دانشگاه‌های کشور و زمینه‌سازی برای شبکه‌سازی از آنها باشد. البته اهداف حداقلی دیگری نیز می‌توان برای آن در نظر گرفت که از سوی برخی مصاحبه‌شوندگان به آنها اشاره شده است؛ مانند پاسخگویی به شبهات و نیازهای افراد یا اعطای مدرک و گواهی. نکته مهم آنکه، متأسفانه عدم توانایی حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان در تحقق مأموریت خود، تأثیر نامطلوبی بر معرفت‌جویان داشته و سبب شده است آنان از ادامه تحصیل در این مراکز خودداری کنند. در تأیید این موضوع، پاسخگوی شماره 8 می‌گوید: «دانشجو باید روشن شود برای چی آمده است؛ چون برخی شنیدند خوب است مدرک می‌گیریم و استاد می‌شویم آمدند. باید توضیح داده شود». پاسخگوی شماره 2 نیز می‌گوید: «دغدغه‌های ذهنی و مشکلات بچه‌ها را بدانیم و درگیری‌های ذهنی آنها را حل کنیم که نیازمند هزینه مالی هم نیست».

مدیریت: عامل مهم دیگر و البته اثرگذار بر موضوع دستیابی به مأموریت، مدیریت است. موضوع مدیریت می‌تواند در دو حوزه مدیریت کلان حوزه در کشور و مدیریت حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان در هر استان باشد. فارغ از مباحثی که می‌توان در حوزه مدیریت کلان مطرح کرد، چون موضوع مصاحبه به حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان استان قزوین مرتبط است؛ بنابر این، هر آنچه مصاحبه‌شوندگان بیان کردند، مربوط به مدیریت این حوزه از ابتدای تأسیس تا تحول ساختاری اخیر است. مدیر به عنوان ستون فقرات

428 ♦ ریزشها و رویشهای حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان

حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان، وظایفی از جمله: تعیین استادان، تعیین کارشناسان، برنامه‌ریزی درسی، برگزاری برنامه‌های جنبی و توجه به مسائل و مشکلات معرفت‌جویان را برعهده دارد. جهت‌گیری مناسب مدیر برای انتخاب استادان و برنامه‌ریزی مناسب برای معرفت‌جویان، می‌تواند از عوامل مهم پایداری آنان در حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان باشد. پاسخگوی شماره 2 می‌گوید: «عدم استفاده از استادان در رشته خاص و تخصصی خودشان و عدم ارتباط مدیر با معرفت‌جویان از علل ریزش به شمار می‌آیند». پاسخگوی شماره 4 نیز می‌گوید: «تغییر استاد موجب می‌شود سرفصلهای تکراری گفته شود».

برنامه آموزشی: مهم‌ترین بحث درباره برنامه آموزشی، محتوای آموزشی و مهم‌ترین نکته در محتوای آموزشی، توجه به نیاز مخاطب است که متأسفانه در محتوای کنونی حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان به آن توجه چندانی نشده است. علاوه بر این، باید به موضوع برگزاری کلاسهای مهارت‌افزایی در زمینه مهارت‌ها و فناوری‌های روز، مانند مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های زندگی (انتخاب همسر، فرزندپروری و غیره)، فن بیان و غیره نیز توجه داشت. پاسخگوی شماره 3 می‌گوید: «کلاسهای خانواده و مهارت زندگی موجب جذب می‌شود و موجب تحول جامعه نیز می‌گردد. سؤالات خانواده خیلی زیاد است. مهارت‌های زندگی، مهم‌تر از تاریخ اسلام است. مهارت‌های طرز برخورد را یاد بدهند». پاسخگوی شماره 8 می‌گوید: «حیلی‌ها می‌گفتند وقت تلف کردن است. سه سال درس می‌خوانی، اما مدرک نمی‌دهند؛ همان را می‌توانستیم ارشد بخوانیم. چرا مدرک ارزش ندارد، عدم کاربرد مدرک انگیزه را کاهش می‌داد».

کارکنان آموزشی (مدرسان و کارشناسان): عامل بعد که می‌توان آن را به دو بخش تقسیم کرد، کارکنان آموزشی است. یک بخش از این مبحث، مربوط به استادان است که نکته مهم آن، بحث اخلاق و منش و سپس دانش آنان است. استادان باید بتوانند معرفت‌جویان را جذب کنند تا حداکثر اثرگذاری بر آنها را داشته باشند. ایجاد دغدغه کار دینی و فرهنگی، از وظایف استادان حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان است که متأسفانه مغفول مانده است. قدرت پاسخگویی استاد به سؤالات دینی دانشجویان نیز اهمیت بسیاری دارد. علاوه بر این، گوش دادن به درد دل معرفت‌جویان نیز باید در صدر وظایف استادان باشد تا زمینه‌ساز جذب و ایجاد دغدغه برای آنان باشد.

در بخش دوم، کارشناسان نقش بسیار مهمی در این زمینه ایفا می‌کنند. برخورد نامناسب، پاسخگویی نبودن و ناکارآمدی آنان در رتق و فتق امور مربوط به معرفت‌جویان، تأثیر مخربی بر آنان دارد؛ ضمن آنکه بخشی از فرایند جذب می‌بایست از سوی کارشناسان محقق شود. لذا این جایگاه به انسانهایی توانمند، خوش‌رو، خوش‌اخلاق و مطلع از امور دینی و فرهنگی نیازمند است. پاسخگوی شماره 6 بیان می‌کند: «در جذب استادان دقت عمل بیشتری داشته باشند، چون هزینه مالی اضافه است. استادان با توان کم و لزوماً ملبس اصلاً خوب نیست». پاسخگوی شماره 9 می‌گوید: «کارشناسان مهم‌اند. رفتار بد استادان و مسئولان و کارشناسان خیلی اثرگذار است».

429 محدثه معینی فر و مریم معینی فر

منابع یادگیری (کتابخانه، فناوری‌های آموزشی و...): از عوامل مهم عدم جذب مخاطب در حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان، به روز نبودن کتب درسی آن است. نداشتن روش تدریس مناسب و ارزشیابی هماهنگ نیز از عوامل مهم ترک حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان است. ارائه مباحث با روشهای جدید تدریس، مثل گروههای مباحثه، حل مسئله، پروژه‌ای، شاگرد- استادی، کنفرانس (گروهی)، پرسش و پاسخ، حل تمرین و شیوه بحثی یا استفاده از روشهای ارزیابی جدید همچون: ارائه گزارش، امتحان کتاب‌باز، نگارش مقاله و غیره می‌تواند به جذب شدن فرایند تدریس کمک کند و در نتیجه، همراهی معرفت‌جویان را در کلاسها و حتی پس از آن برای انجام کارهای فرهنگی به ارمغان آورد. پاسخگوی شماره 4 می‌گوید: «استفاده از پاورپوینت و فیلم موجب جذب دانشجویان می‌شود». پاسخگوی شماره 8 بیان می‌کند: «متحانات را برداشتن خیلی بهتر شد. نمره جهت را عوض می‌کند. اکثراً تقلب می‌شد». ویژگی‌های فردی دانشجویان نیز عامل زمینه‌ای ترک حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان شناخته شد. «شرایط زمینه‌ای، منشأ در شرایط علی دارند و محصول چگونگی تلاقی و تلفیق آنها با یکدیگر برای شکل دادن به الگوهای مختلف با ابعاد گوناگون‌اند». (استراوس و کرین، 1390: 154)

چنانکه در بحث انگیزه‌ها اشاره شد، بیشترین انگیزه معرفت‌جویان برای ورود به حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان، انگیزه ابزاری است. بنابر این، پیش‌بینی می‌شود که اگر این انگیزه‌ها در جای خود تأمین نشوند، افراد حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان را ترک کنند. البته پاسخگویی به برخی از این انگیزه‌ها، قطعاً وظیفه حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان نیست، اما باید به برخی دیگر از آنها توجه کرد و از آنها به مثابه فرصتی برای جذب افراد بهره برد. هر چند ممکن است فرد با انگیزه‌های ابزاری وارد حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان شود، اما عملکرد مناسب می‌تواند از او یک فعال دینی و فرهنگی بسازد. پاسخگوی شماره 5 می‌گوید: «معرفت‌جویان هدف ندارند و مسیر تا هدف را نمی‌دانند. فضا را نمی‌شناسند و نمی‌دانند چه می‌خواهند. چون در حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان چیزی را از دست نمی‌دهند، در نتیجه رها می‌کنند».

جدول 5: عامل زمینه‌ساز ریزش و نقاط ضعف حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان

مفاهیم	مقوله	کدگذاری محوری
عدم درک درست دانشجو از فضای حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان	شرایط و ویژگی‌های فردی دانشجویان	مقوله زمینه
اشتغال		
تحصیل همزمان در دانشگاه و حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان		
دغدغه نداشتن معرفت‌جویان		
مشکلات شخصی معرفت‌جویان		
تنوع‌طلبی معرفت‌جویان		
معنویت کم دانشجویان		
ضعف اراده معرفت‌جویان		
تبلی معرفت‌جویان		
فقدان هدف در معرفت‌جویان		
متأهل شدن برای معرفت‌جویان خانم		
مدرک‌گرایی دانشجویان		

430 ♦ ریزشها و رویشهای حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان

شرایط دخیل آنهایی اند که شرایط علی را تخفیف یا به نحوی تغییر می دهند (همان: 153). خدمات دانشجویی، محیط آموزشی و عامل اقتصادی در این پژوهش به عنوان عوامل مداخله گر شناسایی شدند. در موضوع خدمات دانشجویی، مصاحبه شونده گان به دو مبحث غذا و خوابگاه اشاره کردند که از مهم ترین دغدغه های آنان در این باره است. توجه به این موارد هم می تواند از عوامل تأثیر گذار بر پایداری معرفت جویان باشد. پاسخگوی شماره 10 بیان می کند: «وقتی که در پوستره های تبلیغاتی حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان می نویسیم برگزاری اردو، اما به دلیل بودجه معرفت جویان را نمی بریم؛ این یعنی دروغ که اثر خیلی بدی دارد».

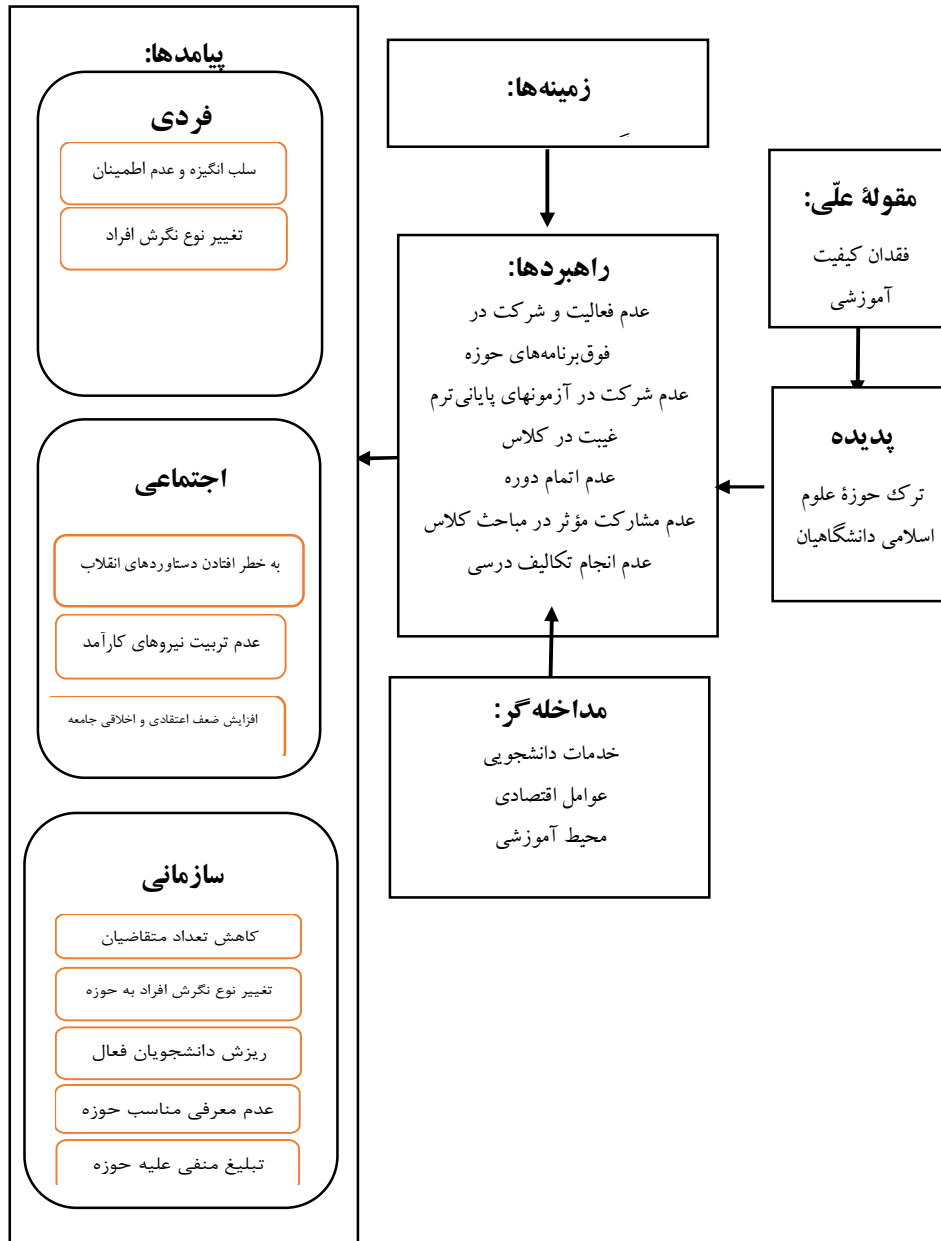
محیط آموزشی: داشتن ساختمان مجزا برای نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در هر دانشگاه، ضروری است و از آنجا که حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان زیرمجموعه نهاد نمایندگی است، اختصاص فضای مناسب آموزشی همراه با تجهیزات لازم، از ضروریات است و می تواند در معرفی هر چه بهتر حوزه مذکور مؤثر واقع شود و تأمین کننده حس معرفت جویان در تحصیل در یک مرکز مناسب آموزشی باشد.

عامل اقتصادی: بودجه از مهم ترین عواملی است که می تواند بر تمامی عوامل گذشته تأثیر مثبت داشته باشد. اگر بودجه کافی برای انجام فعالیتها در اختیار مدیر هر مرکز نباشد، قادر نخواهد بود به آنچه به عنوان رسالت یا مأموریت حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان تعریف شده است، دست یابد. پاسخگوی شماره 10 می گوید: «هر وقت می خواهی کاری انجام بدهی و فعالیت فرهنگی بکنی اولین چیزی که می شنوی این است که بودجه نداریم».

جدول 6: عوامل مداخله گر ریزش و نقاط ضعف حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان

کدگذاری محوری	مقوله	مفاهیم
مقوله مداخله گر	خدمات دانشجویی	فقدان خوابگاه برای دانشجویان راه دور غذای نامناسب حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان فقدان برنامه های تفریحی مثل اردو
	محیط آموزشی	فقدان ساختمان مجزا برای برگزاری کلاسهای حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان
	عامل اقتصادی	فقدان بودجه حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان هزینه رفت و آمد

عدم توجه به عوامل مذکور، پیامدهای را در بر دارد که در نمودار 2 به آنها اشاره شده است.



نمودار 2: مدل پارادایمی عوامل ریزش حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان

2. روایت نظری رویشها و ریزشهای حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان

حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان از بدو تأسیس خود تلاش کرده است در کنار ارائه دروس معارف در دانشگاه به عنوان واحدهای درسی و الزامی، مجالی را برای تعمیق و تفکر در معارف اسلامی فراهم آورد. بنابر این، جذب (ورود) معرفت‌جویان و ترک تحصیل یا اتمام دوره از سوی آنان می‌تواند اهمیت بسیاری در بررسی عملکرد این مجموعه داشته باشد.

در پدیده ورود به حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان، انگیزه‌های درونی و بیرونی - فارغ از انواع آن - در کنار زمینه‌هایی همچون: حضور در بسترها و شبکه‌های مذهبی، شهدا و بزرگان دینی به عنوان گروه مرجع و عامل دخیل مذهبی‌های تأثیرگذار، نقش اساسی را بازی می‌کنند. در بررسی انگیزه‌های معرفت‌جویان، چهار گروه علمی، معنوی، اجتماعی و ابزاری مطرح‌اند که در این میان، به انگیزه ابزاری بیشتر باید توجه کرد. آفت محیط‌های مذهبی، ورود افراد با انگیزه‌های ابزاری به آن است که می‌تواند بر عملکرد سایر افراد و آن محیط تأثیر منفی داشته باشد. هر چند اغلب افراد مدعی‌اند در پی انگیزه‌های معنوی، علمی و اجتماعی به این محیط‌ها پا می‌گذارند، اما نکته مهم برای آنان، منافی است که از این حضور در کوتاه‌مدت و بلندمدت برای آنان حاصل می‌شود. به علاوه، فعالیتهای تبلیغی مناسب در محیط‌های مذهبی، امکان جذب بیشتر افراد را به حوزه علوم اسلامی فراهم می‌سازد. این امر به خوبی می‌رساند که گسترش تعالیم دینی در میان آحاد جامعه با موضوع تبلیغ و به کارگیری رسانه مناسب، پیوند عمیق یافته است. بر اساس آیات قرآن کریم، انسان باید در برابر دشمنان اسلام خود را مجهز کند؛ پس تجهیز مؤمنان به ابزار رسانه‌ای مناسب، از واجبات عرصه فعالیتهای فرهنگی است. معرفت‌جویان برای ورود به حوزه علوم اسلامی راهکارهایی را از جمله: حضور بیشتر در سخنرانی‌های مذهبی، فعالیت مستمر در برنامه‌های فرهنگی، مطالعات بیشتر متون دینی، مباحثه، شرکت در فوق‌برنامه‌های حوزه، شرکت مستمر در کلاسهای حوزه پیش از ثبت نام و پژوهش و تحقیق در مسائل دینی، در پیش گرفتند. پیامد ورود به حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان برای خود افراد، تحکیم عقاید مذهبی، توانمندسازی معرفت‌جویان، یافتن دوستان جدید مذهبی، آشنایی بیشتر با علوم دینی و ایجاد انگیزه برای فعالیت فرهنگی و برای جامعه اسلامی، تربیت نیروی انقلابی و ارزشی، شبکه‌سازی نیروها و افزایش فعالیتهای فرهنگی و دینی است.

پدیده ترک حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان نیز در این مقاله بررسی شد. فقدان کیفیت آموزشی به عنوان مقوله علی، به همراه زمینه‌ای چون ویژگی‌های فردی دانشجویان، عوامل مداخله‌گری مانند خدمات

433 **◆** محدثه معینی فر و مریم معینی فر

دانشجویی، عوامل اقتصادی و محیط آموزشی بر این پدیده مؤثرند. معرفت‌جویان پیش از ترک تحصیل از این مرکز، اقدام به انجام اعمالی چون: عدم فعالیت و شرکت در فوق برنامه‌های حوزه، غیبت در کلاس و عدم شرکت در آزمونهای پایان ترم، عدم مشارکت مؤثر در مباحث کلاس و عدم انجام تکالیف درسی کرده بودند. پیامدها را نیز می‌توان در سه گروه فردی، اجتماعی و سازمانی تقسیم کرد؛ پیامدهای فردی شامل سلب انگیزه و عدم اطمینان و تغییر نوع نگرش افراد؛ پیامدهای اجتماعی شامل عدم تربیت نیروهای کارآمد، به خطر افتادن دستاوردهای انقلاب و افزایش ضعف اعتقادی و اخلاقی جامعه؛ پیامدهای سازمانی نیز شامل کاهش تعداد متقاضیان، تغییر نوع نگرش افراد به حوزه، ریزش دانشجویان فعال، عدم معرفی مناسب حوزه و تبلیغ منفی علیه حوزه است. اما نکته مهم درباره ترک تحصیل معرفت‌جویان این است که عمده دلیل آن به خود حوزه علوم اسلامی بازمی‌گردد؛ زیرا در آموزه‌های دینی هم به مواردی می‌توان دست یافت که بر اهمیت و نقش محیط مناسب و مذهبی برای پرورش انسانها تأکید شده است. اصلاح ساختاری و سازمانی حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان می‌تواند مبدء تحولات بسیاری در دانشگاهها، به ویژه دانشجویان باشد. این اقدام پسندیده در دستورکار حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان قرار گرفته و در دو سال اخیر تلاش شده است ساختار حوزه به نحو مقتضی تغییر یابد تا نیازهای معرفت‌جویان بیشتر پاسخ داده شود. اما از آنجا که این حرکت هنوز به اتمام نرسیده، ارزیابی آن در این مجال منطقی به نظر نمی‌رسد. در این تحول تلاش شده است طول مدت تحصیل کاهش یابد و فعالیتهای صورت گرفته بر محور دانش‌استادان پیش رود و تأکید بر فعالیتهای جهادی بیشتر شود. امید است این فعالیتهای به ثمر بنشیند تا شاهد پرورش نیروی انسانی کارآمد و مفید به حال جامعه در این مراکز باشیم.

ه) نتیجه‌گیری

بر اساس مفاد اساسنامه حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان، یکی از آرمانهای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، از ابتدا، تحقق عملی دانشگاه اسلامی و اسلامی شدن ارکان، عناصر و خروجی دانشگاههاست. مسلماً یکی از راهکارهای تحقق این مهم آموزش نظام‌مند و عمیق معارف اسلامی به دانشجویان و فرهیختگان و در کنار آن، تربیت آنان در جهت تأمین اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است. حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان برای تحقق این امر، توسط نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها تأسیس شده است.

434 ♦ ریزشها و رویشهای حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان

انگیزه افراد برای ورود به حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان، در مجموع چهار مورد است: ابزاری، علمی، معنوی و اجتماعی. مصاحبه‌شوندگان در توصیف انگیزه‌های خود، بیشتر بر انگیزه‌های علمی و معنوی تأکید دارند، در حالی که در توصیف انگیزه سایر معرفت‌جویان، به انگیزه ابزاری اشاره می‌کنند. نکته مهم دیگر آن است که بیشتر افراد با هدف خودسازی به این مرکز رجوع می‌کنند و اصلاً انگیزه‌ای با عنوان انگیزه اجتماعی برای آنان مطرح نیست.

عوامل زمینه‌ساز و دخیل تحصیل در حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان به دودسته تقسیم می‌شوند: عوامل بیرونی (شرایط دخیل) و عوامل درونی (شرایط زمینه‌ای). عوامل درونی شامل دو مقوله بسترها و شبکه‌های معنوی (خانواده مذهبی، فضای اجتماعی مذهبی (مسجد و هیئت مذهبی) و گروه همالان مذهبی) و گروه مرجع (الگو قرار گرفتن بزرگان دینی و شهدا) می‌شود. عوامل بیرونی شامل مقوله مذهبی‌های تأثیرگذار (روحانی محل، دوستان مذهبی و تأثیر مستقیم دیگران مهم) است. نکته مهم آن است که بیشتر این افراد از طریق دوستانشان که معرفت‌جوی حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان بوده‌اند با آن آشنا شدند.

اگر حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان مانند یک نظام آموزش عالی فرض شود، باید فرایند ارزیابی آن در همه جوانب صورت گیرد. پس از مصاحبه با معرفت‌جویان و بیان دیدگاههای آنان درباره عوامل ترک حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان از سوی معرفت‌جویان دیگر، می‌توان دریافت که تمامی این عوامل به خوبی منطبق بر معیارهای اعتبارسنجی مؤسسه‌ای‌اند که «با هدف اعطای مجوز و اعتبار برای ادامه فعالیت آن مؤسسه» معرفی شده‌اند. عوامل ریزش و ضعف علوم اسلامی در مواردی همچون: مأموریت، مدیریت، برنامه آموزشی، کارکنان آموزشی (اعم از استادان و کارشناسان) و منابع یادگیری خلاصه می‌شوند که در نهایت، پیامدهایی دارند که می‌توان آنها را به سه دسته فردی (سلب انگیزه و عدم اطمینان و تغییر نوع نگرش افراد)، اجتماعی (افزایش ضعف اعتقادی و اخلاقی جامعه، عدم تحقق شبکه‌سازی، عدم تربیت نیروهای کارآمد و به خطر افتادن دستاوردهای انقلاب) و سازمانی (کاهش تعداد متقاضیان، تغییر نوع نگرش افراد به حوزه، ریزش دانشجویان فعال، عدم معرفی مناسب حوزه و تبلیغ منفی علیه حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان) تقسیم کرد. البته همان‌طور که پیداست، این پیامدهای منفی بیش از همه گریبانگیر خود حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان شده است. ضمن اینکه از اهمیت پیامدهای منفی اجتماعی هم نمی‌توان به سادگی گذشت.

نتایج این تحقیق، یافته‌های مطالعات پیشین را تأیید می‌کند. اگر چه موضوع مطالعه آنها حوزه علمیه بوده است، اما به نظر می‌رسد که همان انگیزه‌ها و زمینه‌ها در ورود افراد به حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان

نیز وجود دارد. نکته قابل توجه اینکه، پژوهش حاضر علاوه بر بررسی انگیزه‌های ورود افراد به حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان، علل و عوامل ترک و ناتمام گذاشتن تحصیل در این مرکز را نیز بررسی کرده است.

پیشنهادها

لازمه تحول در حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان، تغییر نگرش نسبت به آن است. اگر حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان به منزله یک قرارگاه فرهنگی تلقی شود، آن وقت است که می‌توان با تعریف درست از رسالت آن، برای پیشبرد رسالت مذکور برنامه‌ریزی کرد. بازنگری در مأموریت و رسالت این مراکز ضروری است؛ ضمن آنکه سازماندهی مجدد آن نیز اهمیت ویژه دارد. بر همین اساس، در برنامه‌ریزی در عرصه فرهنگی، توجه به سه موضوع ضروری به نظر می‌رسد:

1. توجه به مخاطب: شناسایی نیازهای جامعه و به عبارت بهتر، مخاطبان داخلی و خارجی، در حوزه فعالیت‌های فرهنگی اهمیت بسیاری دارد. با این حال، عدم توجه به نیازهای جامعه هدف در تدوین برنامه‌های حوزه، از مشکلات اساسی آن است و بارها توسط مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره شده است. بر همین اساس، لزوم در نظر گرفتن مشاوره دینی به عنوان مهم‌ترین بخش در کار فرهنگی، در اموری که در صدر نیازهای جامعه قرار دارند و تلاش برای جذب حداکثری افراد، حتی آنان که ظاهر مذهبی ندارند، می‌تواند از اولویتهای این بخش به شمار رود.

2. توجه به نیروی اجرایی: برای تحقق آرمان شبکه‌سازی افراد و تبدیل حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان به پایگاه و قرارگاه فرهنگی، لازم است نقاط ضعف و قوت نیروهای اجرایی در این عرصه شناسایی شوند. برای نمونه، عدم وجود معرفت دینی در افراد، عدم شناخت نسبت به گفتمان انقلابی و کارکرد آن در بحث فرهنگ، عدم شناخت اعضا نسبت به هدفهای کلان و جزئی در عرصه فرهنگ، عدم وجود تخصصهای مورد نیاز برای تشکیلات و کارهای فرهنگی و عدم توجه اعضا به وظایف شخصی خود در تشکیلات، از نقاط ضعف نیروی اجرایی است که برای حل آن باید لزوم تذکر و آموزش افراد در هر مرحله و انسان‌سازی در این عرصه و توجه به اخلاق نیروی اجرایی و رفع عیوب اخلاقی او مانند غرور، تنبلی، عدم مشارکت و همکاری با دیگران و عدم وجود روحیه تعامل، در صدر توجهات قرار گیرد و در نهایت، با برگزاری کلاسهای دانش‌افزایی از قبیل آشنایی با مبانی دینی (مفاهیم قرآنی، احکام، تاریخ اسلام، تاریخ انقلاب و... و در یک کلام، فقه اکبر و فقه اوسط و فقه اصغر)؛ بازنگری تمامی مباحث دینی و ارائه آن با توجه به گفتمان انقلابی، از جمله: تدریس تاریخ تحلیلی اسلام بر اساس این گفتمان برای دانشجویان در درس

436 ♦ ریزشها و رویشهای حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان

عمومی یا تخصصی؛ ارائه و معرفی دستاوردهای انقلاب؛ برگزاری کارگاههای آشنایی با تشکیلات و نحوه کار در آن و هدف از آن برای نیروها توسط مسئولان ذی ربط و برگزاری کلاسهای مهارت افزایی در زمینه مهارتها و فناوریهای روز، مانند مقاله نویسی، پژوهش، آشنایی با رسانه های جمعی، فیلم سازی، مستندسازی، انیمیشن سازی، کلیپ سازی و غیره، می توان گام اساسی برای رسیدن به هدف شبکه سازی برداشت.

علاوه بر این، شناسایی مشکلات مربوط به فرایند کار در این حوزه نیز دارای اهمیت ویژه است که می توان آنها را به چند دسته تقسیم کرد: عدم به کارگیری مناسب نیروها در تخصصهای خود، عدم انتقال تجربیات و عدم همکاری مناسب میان دو جبهه نیروهای قدیمی و جدید و عدم وجود اطلاعات دقیق از عده و عده نیروهای انقلابی. در این راستا، ایجاد ستادها و تقلید از تشکیلات بسیج در جنگ تحمیلی برای طرح ریزی مناسب تقسیم کار، طراحی فهرستی از اعضای هر مرکز به همراه تخصصهای آنان، به کارگیری اعضا در توانمندسازی متقابل همدیگر و تلاش برای حفظ اعضا و نیروها، از اهم وظایف حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان برای بازماندهی خود است و در نهایت، عامل سوم و مهم در این باره، داشتن مدیریت مقبول برای همگان است؛ زیرا همان طور که پیش تر بیان شد، در هر کاری وجود مدیر به منزله ستون خیمه ضروری است تا همگان گرد او جمع شوند و برای تحقق هدف مشترک خود تلاش کنند.

3. وجود برنامه مناسب: در این بخش، سه محور شناسایی مشکلات پیش از آغاز فرایند برنامه ریزی، شناسایی مشکلات در فرایند برنامه ریزی و توجه به موضوع تبلیغات و استفاده از صداوسیما و سایر رسانه های جمعی برای تأثیرگذاری فرهنگی در داخل و خارج مد نظر است. در بررسی مشکلات پیش از آغاز فرایند برنامه ریزی، نکات قابل توجه عبارتند از: عدم ارائه تعریف مناسب از فعالیتهای فرهنگی و جهادی و جوانب مختلف آن در عرصه داخلی و خارجی، عدم وجود اولویت بندی در کارهای فرهنگی، عدم وجود هدفهای کلان و جزئی در برنامه ریزی، عدم تبیین صحیح اهداف و عدم مشخص کردن مسیر رسیدن به هدف، عدم وجود مرکز تصمیم گیری متمرکز، عدم توجه به واقعیت موجود و برنامه ریزی ایدئال، عدم تعریف و بعضاً تعریف غلط از خروجی. در مرحله دوم؛ یعنی شناسایی مشکلات در فرایند برنامه ریزی، عدم ملاحظه ارتباط میان نهادهای مختلف فرهنگی مثل تشکلهای سازمانها و نهادها و در نتیجه موازی کاری، عدم تقسیم نیروها به نیروی فکری و اجرایی و عدم توجه به آن، عدم وجود زمان بندی و پایبندی به برنامه ریزی ها، عدم تعیین نقش و وظایف هر یک از اعضا، بومی نبودن برنامه های اجرایی و عدم توجه به منابع مالی، از عوامل اساسی شکست در کار فرهنگی است. بر همین اساس، پیشنهاد می شود که هیئتهای اندیشه ورز

محدثه معینی فر و مریم معینی فر ♦ 437

قوی، تشکیل و از افراط و تفریط در این حوزه ممانعت شود و در عین حال، به موضوعاتی مانند برنامه‌ریزی برای مدیریت فضای مجازی در داخل و خارج، گسترش اخلاق و فضائل اخلاقی از طریق فضای مجازی در داخل و خارج و ایجاد زیرساخت‌های داخلی برای توسعه مناسب فضای مجازی نیز توجه شود.

در نهایت، در اجرای برنامه‌ها در عرصه فرهنگ نیز باید به چند حوزه توجه کرد: نخست، شناسایی مشکلات حین اجرا که آسیب‌های آن شامل عدم وجود نظارت صحیح و کاربردی بر زیرمجموعه‌ها، عدم وجود ارتباط صحیح بین مدیران سطوح مختلف، عدم کارآمدی حمایتها و پشتیبانی‌ها از طرح‌های موجود در سطوح بالای مدیریتی و قابل اجرا نبودن بیشتر برنامه‌های اجرایی است. لذا تعیین واسطه‌های میان سطوح از جوانان برای ارتباط‌گیری بهتر آنان می‌تواند کمک مؤثری در حل این مسائل کند.

دومین مسئله، شناسایی مشکلات پس از اجراست که عمدتاً متمرکز بر عدم وجود ارزیابی مناسب از فعالیتهاست. بر همین اساس، پیشنهاد می‌شود از معرفت‌جویان در سطح عمومی و از نخبگان در سطح اختصاصی نظرسنجی و در رفع نقاط ضعف به نقدهای موجود و تلاش در رفع عیوب کار توجه شود.

سومین موضوع، مرتبط کردن کارهای اجتماعی به کارهای فرهنگی مثل اردوهای جهادی است که می‌تواند در آسیب‌شناسی مشکلات اجتماعی و تلاش برای ارائه راهکار مؤثر باشد تا در این زمینه، با حل مشکلات اجتماعی، وفاق مردم بالا رود و زمینه کار فرهنگی افزایش پیدا کند.



منابع

- استراوس، ا. و ج. کرین (1390). مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. تهران: نی.
- ایمان، محمدتقی (1391). روش‌شناسی تحقیقات کیفی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- روشه، گئی (1387). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی. ترجمه هما زنجانی زاده. تهران: سمت.
- شریعتی، سارا و مهدی سلیمانیه (1394). «بررسی ویژگی‌های جامعه‌شناختی نمونه نوعی محصل علوم دینی در حوزه علمیه قم». *شبه‌شناسی*، ش 7-31: 50.
- شریعتی، سارا و یاسر فروغی (1392). «عوامل و انگیزه‌های جامعه‌شناختی ورود طلاب به حوزه علمیه». *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ش 2: 74-45.
- وبر، ماکس (1384). *اقتصاد و جامعه*. ترجمه عباس منوچهری و همکاران. تهران: سمت.
- Jones, Michael & Irit Alony (2011). "Guiding the Use of Grounded Theory in Doctoral Studies– an Example from the Australian Film Industry". *International Journal of Doctoral Studies*, 6 (N/A): 95-114.
- Iman, Mohammad Taghi (2012). **Qualitative Research Methodology**. Qom: Research Institute of Hawzeh and University.
- Rocher, Guy (2008). **Introduction to General Sociology**. Translated by Homa Zanjani Zadeh. Tehran: Samt Publications.
- Shariati, Sara & Yaser Foroughi (2013). "Social Elements and Motivations in Entering of Tollab to Howzeh-ye Elmieh". *Sociological Cultural Studies*, 4(2): 45-74.
- Shariati, Sara & Mehdi Sulaimaniyah (2015). "Investigating the Sociological Characteristics of a Sample of Religious Sciences Students in the Qom Theological Seminary". *Journal of Shia Studies*, 50: 7-31.
- Strauss, Anselm & Juliet Corbin (2011). **Basics of Qualitative Research: Techniques and Processes for Grounded Theory**. Tehran: Ney Publishing.
- Weber, Max (2005). **Economy and Society**. Translated by Abbas Manouchehri and others. Tehran: Samt Publication.

